

به مناسبت افتتاح بند کمال خان

مسأله آب هلمند و مناقشات ناشی از آن با ایران



مسأله آب هلمند و مناقشات ناشی از آن با ایران

احمد نادر نادری

احمد نادر نادری

۱۴۰۰ ه. ش



به مناسبت افتتاح بند کمال خان



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
اکادمی علوم
ریاست اطلاعات و ارتباط عامه

مسأله آب هلمند و مناقشات ناشی از آن با ایران

تألیف:

احمد نادر نادری

مشخصات کتاب

نام کتاب: مسأله آب هلمند و مناقشات ناشی از آن با ایران

تألیف: احمد نادر نادری

مهیتمم: معاون سرمحقق محمد اصف احمدزی

ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباطات عامه اکادمی علوم

سال چاپ: ۱۴۰۰ ه.ش

مطبعه: الهام نبی زاده، کابل - افغانستان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

ISBN : ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۶۱-۲۴-۰

حق طبع برای اکادمی علوم محفوظ است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

أ	پیش‌گفتار
۱	مقدمه

فصل اول

معلومات عمومی و جغرافیایی رود هلمند

۵	مبحث اول: نام منبع، مسیر جریان و اوصاف رود هلمند
۶	۲- منشاء و مسیر جریان رود هلمند
۷	۳- اوصاف رود هلمند
۹	مبحث دوم: معاونین رود هلمند
۹	الف: کادی‌رود
۱۰	ب: رود موسی‌قلعه
۱۰	ج: رود ارغنداب
۱۱	د- رود ترنک
۱۱	ه- رود ارغستان
۱۲	I. خاشرود
۱۲	II. فراه‌رود
۱۳	رود ادرسکن و یا هاروت
۱۳	مبحث سوم- طرح آبیاری وادی هلمند

فصل دوم

مسأله آب هلمند و منازعه ناشی از آن با ایران

- ۱۷ مبحث اول: دیدگاه تاریخی بر قضیه مورد منازعه آب هلمند
- ۲۰ مبحث دوم: گام نخست حکمیت «گولد سمیت»
- ۲۲ دومین گام حکمیت مک موهن و مسأله آب هلمند

فصل سوم

مسأله آب هلمند از زمان محمدنادرشاه تا سقوط سلطنت محمد ظاهر شاه

- ۲۷ مبحث اول- کمیسیون امریکایی «مصوب رود هلمند»
- ۳۲ مبحث دوم: مسأله آب هلمند در دوران حکومت...
- ۳۷ مبحث سوم: انکشافات بعد از سال ۱۳۵۷ و ...
- ۴۱ نتیجه
- ۴۹ مآخذ

پیش‌گفتار

ساحه معروف به بند کمال خان در ولایت نیمروز را، برای نخستین بار، نزدیک به بیست و چهار سال پیش دیدم. بزرگان و محاسن سفیدان نیمروز، درباره گذشته تاریخی و عظمت منطقه‌ای این بند و تلاش‌ها برای بازسازی آن از سوی صدراعظم شهید محمدموسی شفیق یاد می‌کردند و از فقدان آن دریغ و حسرت می‌خوردند. کشور دچار جنگ‌های داخلی بود و این آرزو که یک روز، آب رودخانه هلمند در منطقه کمال خان مهار شود و دشت‌های سوزان سیستان را سبز گرداند، امکان‌ناپذیر به نظر می‌آمد. من که در آن زمان تازه به پوهنتون راه یافته بودم و به مباحث مربوط به سیاست خارجی و مناسبات بین دولت‌ها علاقه‌مند بودم، تأسیس بند آب کمال خان را عامل نظام‌مند شدن بیش‌تر روابط ما با همسایه غربی و از آن طریق تقویت این رابطه می‌دانستم. در آن زمان، این را نیز درک می‌کردم که برای اعمار بند، امکانات ملی ما نهایت محدود است.

سال ۱۳۷۳ در پهلوی دیگر مشقات و دشواری‌ها، سیلاب‌ها خانه‌های گلی مردمان نیمروز را ویران کرد. آب تا زانو رسیده بود. آن زمان نیز شاهد

ویرانی‌های سیلاب رودخانه بودم. از ریش‌سفیدان و بزرگان می‌شنیدم که کسانی از آن سوی مرز، گوره‌های (موانع خاکی) گرداگرد شهر را که می‌توانست سیل را برگرداند، ویران کرده‌اند. این به من انگیزه بخشید تا دربارهٔ بند کمال خان و تخریب گوره‌های محافظتی تحقیق کنم. در همان سال‌ها، تا زمانی که از پوهنتون فارغ شدم، جسته گریخته، ساحات مختلف بند و مسیر رودخانهٔ هلمند و بخش‌های مختلف دریا را مثل گرشک، کانال بغرا و... را از نزدیک دیدم و بعضی جاهای آن را پیاده گشت زدم. به آن سوی مرز نیز رفتم و تأسیساتی را که برای استفاده از آب روی بستر رود هلمند و سایر منابع، توسط جمهوری اسلامی ایران ساخته شده بود از نزدیک دیدم. پایپ‌لاین آب را که از چاه‌نیمه، آب را در ۲۰۶ کیلومتر به زاهدان انتقال می‌داد نیز گاهی با موتر و گاهی پیاده از نزدیک دیدم و از آن یادداشت‌برداری کردم. در نتیجه، این موضوع مسألهٔ پایان‌نامه‌ام شد و یافته‌هایم را در آن گنجانیدم.

پنج سال پیش، زمانی که به عنوان مشاور رییس جمهور کار می‌کردم در نشست‌هایی که در آن‌ها دربارهٔ زیرساخت‌های کشور بحث می‌شد، پیوسته حضور می‌یافتم. در آن جلسات، بحث مهار آب‌ها و پلان‌گذاری برای اعمار بندهای خرد و بزرگ، به‌ویژه اعمار بند کمال خان، از بحث‌های عمده بود. جلسات معمولاً از سوی رییس جمهور گردانندگی می‌شد و در اوایل، فراهم‌آوری منابع یکی از مسائل مورد بحث دربارهٔ ساخت بند کمال خان بود. نظر یکی از همکاران ما این بود که کمک مالی یکی از کشورهای منطقه را برای اعمار بند جلب کنیم. من با این نظر مخالف بودم و آن را مشکل‌ساز می‌دیدم. خوش‌بختانه رییس جمهور محمدشرف غنی نیز در نظر داشت که این بند را از منابع ملی بودجهٔ انکشافی تمویل کند. و همان بود که با علاقمندی و جدیتی که رییس جمهور در این عرصه داشت، رؤیای دیرینه‌ام که ما می‌توانیم یک روز بند کمال خان را بسازیم، آهسته آهسته به واقعیت بدل

شد. پس از آن که بحث‌ها دربارهٔ مطالعات ابتدایی دربارهٔ تکمیل شدن بند کمال خان خاتمه یافت و ما به مرحلهٔ امضای قرارداد رسیدیم، دیگر یأس و حرمان را در چهره‌های مردم نمی‌دیدم.

اکنون که در آستانهٔ افتتاح بند کمال خان قرار داریم، بی‌شبهه و گمان می‌توانم بگویم که ملت‌ها دچار مشقت‌ها و سختی‌ها می‌شوند، اما در صورتی که ارادهٔ جمعی خود را به حرکت بیاورند می‌توانند یک کار بزرگ را - ولو با منابع اندک - به انجام برسانند.

امیدوارم این نوشته که پایان‌نامهٔ تحصیلی‌ام بود، معلومات بیش‌تری را در خصوص مناقشات بر سر آب هلمند و تحولاتی که منجر به امضای پیمان‌نامهٔ تقسیم آب میان افغانستان و ایران گردید، به خواننده ارائه کند.

از اکادمی علوم افغانستان، به خاطر چاپ این اثر سپاس‌گزاری می‌کنم.

۱۳۹۹/۱۲/۳۰

مقدمه

منابع طبیعی، چه تحت‌الارضی و یا چه سطح‌الارضی باشند، در مجموع سرمایه‌های ملی کشور به شمار می‌آیند و می‌توانند در شکل‌دهی اقتصاد و فرهنگ جوامع نقش ارزنده و نهایت مهمی را دارا باشند. دریاها و آب‌های تحت‌الارضی از جمله گران‌بهارترین منابع طبیعی بودند که سیمای اولیه جوامع و اقتصاد اولیه جهانی را شکل می‌دادند و اکنون نیز با ارزش و حیاتی شناخته می‌شوند. کمبود آب در جهان امروز یک مسأله عمده و از معضلات استراتژیک است که می‌تواند به مثابه یکی از وسایل مؤثر اعمال فشار علیه کشورهای نیازمند به آن در دیپلوماسی‌های امروزی به کار برود.

هم اکنون تعداد زیادی از کشورهای جهان مانند کشور های عربی و یک تعداد کشورهای اروپایی دچار قلت آب فاقد سودیم کلرید یا آب شیرین‌اند، چنان‌که کشورهای عربی مخصوصاً کویت و عربستان سعودی میلیاردها دالر را صرف ساختن تصفیه‌خانه‌های تبدیل آب شور بحر به آب شیرین و هم‌چنان ذوب یخ‌های قطب و انتقال آن توسط پایب‌لاین‌ها کرده‌اند. تقاضا برای آب، حدود ارزشی منابع محدود طبیعی را پشت سر زده و به

صورت بالقوه زمینه‌ساز منازعات میان ملت‌هایی شده که آب‌های تازه دریایی میان‌شان شریک است و یا سرحد میان کشورها را می‌سازند.

بیش‌تر از ۵۰ کشور جهان در پنج قاره ممکن است به زودی، در صورتی که به توافقات بر سر استفاده از منابع آبی زیرزمینی و دریایی دست نیابند، درگیر منازعات جدی گردند. زیرا به دلیل استفاده روز افزون آب و افزایش کثافت هوا، آب به «طلای آبی‌رنگ» قرن بیست‌ویکم بدل شده است. با در نظر داشت این حقیقت که بیش‌تر از ۲۰۰ منبع آبی میان دو یا بیش‌تر از دو کشور شریک است نمی‌توان منازعات عمده را میان کشورها در آینده غیر قابل انتظار دانست. جنگ برای آب در نقاط مختلف جهان مباحثات داغ را به راه انداخته، چنان‌که کوفی عنان، سرمنشی سازمان ملل متحد در ماه مارچ امسال ابراز داشت: «رقابت‌های خشونت‌بار برای به دست آوردن آب تازه ممکن است یکی از منابع منازعات جهان گردد.» این در حالی است که گزارش شورای ملی استخبارات آمریکا نیز با ارایه یک هشدار، آغاز و یا تشدید منازعات بر سر آب را تا ۱۵ سال آینده اجتناب‌ناپذیر دانسته است.

همان‌گونه که مونتر هادادین، رییس تیم مذاکرات مصر برای آب دریای نیل می‌گفت «آب بنا بر طبیعت آن، خاموش‌کننده و کشنده آتش است، نباید خود به منبع آتش منازعات میان کشورها تبدیل گردد»، به منظور جلوگیری از منازعات منطقوی و بین‌المللی، کشورها تلاش کرده‌اند تا نظام حقوق ملی و بین‌المللی را درباره رودخانه‌ها و دریاها ایجاد کنند و هم‌چنان، هنجارها و اصول‌هایی را برای استفاده مؤثر و بدون مشکل آب‌ها تدوین و مرعی دارند.

حقوق بین‌الملل عمومی، آب‌های داخلی را آن دسته از «دریاها، دریاچه‌ها و کانال‌هایی که در قلمرو یک کشور قرار دارند»^۱ می‌شناسد، یعنی آن دسته از

^۱ ضیایی بیدگلی دکتر محمدرضا حقوق بین‌المللی عمومی گنج دانش ۱۳۵۷ ص ۱۲۹، ب «همان اثر» ص ۳۳۰.

آب‌هایی که از منبع تا دهانه در داخل قلمرو یک کشور بوده و مسافت طولانی را در یک سرزمین طی کند. پس این کشور مختار است به هر اندازه از این آب را به هر شکلی که خواسته باشد استفاده و مهار کند. اما هستند رودخانه‌هایی که از قلمرو چندین کشور می‌گذرند و هر چند گاهی سبب بروز مناقشات میان کشورها شده‌اند، مانند دریاهای راین و دانوب در اروپا، سند و مکونگ در آسیا، دریای کالورادو در آمریکا و دریای نیل و موزامبیق در افریقا.

دکترین و رویهٔ عمومی کشورها رودخانه‌های بین‌المللی را آن دسته از رودهای جاری می‌دانند که به طور طبیعی قابل کشتی‌رانی بوده و قلمرو دو یا چند کشور را از یک‌دیگر جدا می‌سازد و یا از قلمرو چندین کشور می‌گذرد.^۲ متأسفانه باید گفت که امروز هیچ کدام از قواعد و نورم‌ها بدون عقد قراردادهای و معاهدات دوجانبه و چندین‌جانبه به تنهایی نتوانسته رژیم استفاده از این دریاها را تعیین و مقرر کند. مثال‌های زیادی در این عرصه وجود دارد، مانند معاهدهٔ سن ژرمن مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۱۹ در زمینهٔ رودخانه کنگو، معاهدهٔ بلگراد مورخ ۸ اگست ۱۹۴۸ دربارهٔ دریای دانوب، موافقت‌نامه میان مصر و سودان مورخ ۸ نوامبر ۱۹۵۹ در خصوص رودخانه نیل و سرانجام معاهدهٔ هند و پاکستان مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۲۰ دربارهٔ تغییر شبکهٔ آبرسانی اندوس «سند».

افغانستان نیز به اساس دسایس و حوادث تاریخی از این معضل رنج برده است. رود هلمند که از جملهٔ طویل‌ترین و خروشان‌ترین رودهای کشور و منطقه محسوب می‌شود، طی تقریباً یک قرن سبب مناقشات جدی میان دو کشور افغانستان و ایران گردیده و مناسبات دوستانه میان دو ملت را در طول سال‌های متمادی متأثر و خدشه‌دار کرده است.

از آن جایی که مسأله آب هلمند، عمده‌ترین مسأله تاریخی و سیاسی کشور ما را با همسایه غربی می‌سازد، این نوشته نمی‌تواند به بررسی همه ابعاد آن بپردازد و بی‌گمان نواقصی را در بر دارد. آرزو می‌برم تا پژوهش‌گران و مراکز تحقیقاتی کشور به بررسی بیش‌تر این مسأله بپردازند و تنها به این مقاله بسنده نکنند.

احمدنادر نادری کابل

حوت ۱۳۷۷